



مولوی، دیوان شمس، شماره ۲۹۶۱

در رنگ یار بنگر تا رنگ زندگانی
بر روی تو نشیند ای ننگ زندگانی

هر ذره‌ای دوان است تا زندگی بیابد
تو ذره‌ای نداری آهنگ زندگانی

گر ز آنک زندگانی بودی مثال سنگی
خوش چشمه‌ها دویدی از سنگ زندگانی

در آینه بدیدم نقش خیال فانی
گفتم چپی تو گفتا من زنگ زندگانی

اندر حیات باقی یابی تو زندگان را
وین باقیان کیانند دلتنگ زندگانی

آن‌ها که اهل صلحد بردند زندگی را
وین ناکسان بمانند در جنگ زندگانی